



هیئت های ایلچیان تیمور ریان هرات

در کشور ختای چه دیدند ؟



حتمی که امیر تیمور در سال ۸۰۷ هجری قمری وفات کرد و شاهرخ میرزا پسرش در هرات به سلطنت رسید در کشور ختای ، در سر زمین چین (یونگ لو) یکی از پادشاهان معروف دودمان (منگ) سلطنت داشت. دودمان (منگ) که از ۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ در چین سلطنت کرده است معمولاً به سفت (نای - منگ) هم یاد شده که آنرا (منگ های بزرگ) میتوان ترجمه کرد. در عصر تیمور ریان که در آن زمان در میان روابط بازرگانی بین دولت تیموری هرات و کشور ختای استقراری و انبساط یافته بود دودمان (نای منگ) یا (دای منگ) را خوب می شناختند و کلمه (خان) را معمولاً در آخر این دو کلمه ترکیبی علاوه کرده ازان : (دای منگ خان) ساخته بودند و (یونگ لو) خاقان چینی را که با وی روابط سیاسی و بازرگانی برقرار کرده بودند علی العموم به نام (دای منگ خان) یاد می کردند این دای منگ خان یونگ لو از () تا () مدت () سال در چین پادشاهی کرد چندین هیئت حسن نیت که خاطرهای چهار یا پنج آن معلوم است به پایتخت تیمور ریان در هرات فرستاده و در مقابل هر هیئت چینی هیئتی از هرات

به (خانباغ) یا (بیکن) پایتخت ختای فرستاده شده است. علاوه بر پادشاه تیموری شاهرخ پسران او شهزادگان تیموری از قبیل میرزا بالغ بیک و میرزا بایسنغر و میرزا ابراهیم سلطان از سمرقند و خوارزم و شیراز هم گاه بسگاه هیئت هائی از جانب خود به چین می فرستادند چنانچه به شرحیکه در مطلع السعدین در طی گزارشهای سال ۸۲۳ هجری دیده شده هیئت اعزامی شاهرخ میرزا و هیئت های پسرانش با برخی از ایلچیان شاهان بدخشان همه در سمرقند یکجا شده و به طرف ختای حرکت کردند چنانچه از طرف خود شاهرخ (شادی خواجه) از طرف میرزا بالغ بیک شاه محمد بخشی از طرف میرزا بایسنغر (سلطان احمد و خواجه غیاث الدین نقاش) و از طرف میرزا ابراهیم سلطان (امیر حسن و پهلوان جمال) و از طرف میرزا سیور غممش (اقداق) از طرف امیر شاه ملک (اردوان) و از جانب شاه بدخشان (خواجه تاج الدین) بحیث ایلچی تعیین شده بودند و بسا ایلچیان ختائی که آماده مراجعت بودند یکجا بطرف ختای بالغ حرکت کردند و به خواجه غیاث الدین نقاش پیروی از طرف میرزا بایسنغر ما موریت داده شده بود که سفرنامه خود را از روز حرکت از هرات تا روز مراجعت بندگان شهر کماحقه بنویسد.

مولینا جمال الدین عبدالرزاق سمرقندی مورخ معروف که خود درین وقت در هرات می زیست و بحیث شیخ خانقاه شاهرخ می مقام بلندی در دربار داشت از روی حکایات ایلچی ها مخصوصاً به اساس آنچه از زبان غیاث الدین نقاش شنیده یادداشت های بسیار سودمندی گرفته که شرح آنها در جلد دوم کتاب نفیس وی مطلع السعدین مطالعه میتوان کرد.

در این مقاله مختصر میخواهم از روی همین یادداشت ها فقط یک نکته را تعقیب کنم که هیئت های عصر تیموری روی هم رفته در سفر خویش

در ختای چه دیدند؟ و از چیزهایی که دیدند امروز اثری باقی مانده یا خیر؟
 این هیئت به زرگه بین سال های ۸۲۲ و ۸۲۵ در حدود سنه سال
 کامل را وقف رفت و آمد خویش نمود و پنج ماه در ختای نبالغ (پهکن)
 ماند و در حدود دو نیم سال دیگر در سفر رفت و آمد آنها گذشت
 در این مدت طبیعی توقف هایی هم در عرض راه طولانی مسافرت خود
 نموده و در آن ناسامنی راه در بعضی موارد اجباراً هم متوقف شده اند.
 راهی که هیئت مذکور در سفر رفت و آمد خود تعقیب کرده است
 موضوعی است بسیار دلچسپ که مقاله علی حده میخواند و عجالتاً بدان
 پرداخته نمیتوانیم جز اینکه بگوییم هیئت مذکور از راه سنکیانگ
 امروزه روی خط کاروان رو قدیم که در زبانهای باستان آنرا
 (راه ابریشم) میخواندند از پهنای سحرای کوبوسی گذشته و به
 پهکن رفته اند.

هیئت تیموری در اوایل شهر جمادی الاخر سال ۸۲۲ وارد شهر
 (طسورفان) شد. در حوالی پنجم و پنجاه سال قبل هنوز اکثر مردم
 این شهر که در سنکیانگ (باترکستان چینی) واقع است بوذائی بودند
 هیئت ایلچیان تیموری در پنجم و پنجاه سال قبل در عرض راه حرکت بطرف
 ختای نبالغ مرکز ختای و در مدت توقف پنج ماهه خود در آن شهر تاریخی
 و در طی مراجعت خویش به طرقات چیزهای دلچسپی دیده که دانستن
 آن برای خود چینی های امروز کمال اهمیت دارد.

هیئت مذکور در شهرهای مختلف عرض راه مثل (طسورفان) (قابل) و سکیجو
 و (قمجو) (سدین فور) و (ختای نبالغ) بت ها و بتخانه ها و مساجد دیده اند
 که آثار و بقایای اکثر آن هنوز از بین نرفته در چندین جای از مجسمه های
 (شاکمونی) بصورت نشسته و ایستاده و خوابیده باد آوری میکنند و حاجت
 به تذکارند ارد که مقصد از (شاکمونی) همان (ساکیا لونی) بود است
 زیرا اسم بودا در زمان شهزادگی (ساکیا لونی) بود. اینجا من باب مثال

هیئت های ایلچیان تیموریان هرات

یکی از معابد بودائی را که هیئت تیموری در شهر (قمچو) محتملا (کان چو) دیده به شرحی که مطلع السعدین داده نقل می‌کنیم: «در شهر قمچو بتخانه‌ئی بود پانصد گز در پانصد گز و در میان آن بتی خسپیده پنجاه قدم طول آن بت ۹ قدم طول کف پای و دور کله سر او بیست و یک گز و نشان دیگر پس پشت و بالای سر او هر یک گزی و کمتر و بیشتر و بر دیوار صورت‌نگری‌های خوب کرده این بت بزرگ خسپیده و یک دست بزیر سر نهاده و ویلی بر روی ران دارد و مطلا کرده اند و نام آن شدمانی، فوج فوج آ بند و پیش آن بتک سر بر زمین نهند کرد آن عمارت، همچون خانه‌های کاروان سرا بتخانه‌ها بود انواع پرده‌های زربفت و کرسیهای مطلا و صندلیها و شمعدانها و صراحیهای چینی ار استه بودند درین شهر قمچوده بتخانه معظم بود. از روی این شرح عینه یک معبد بودائی در نظر مجسم میشود هیکل خسپیده سا کیا لوتی بودائی از بزرگترین مجسمه‌های بودائی چینی بود. از نظر سبک معماری هیئت تیموری در بنجو نیم قرن قبل ابادانی دیده که اکثران تا حال از بین نرفته. دیوار بزرگ شهر خانباغ که هر ضلع آن یک فرسنگ گفته اند کما کان موجود است و در یک جا که قدم کردم عرض آن به ۶۲ قدم بالغ میشود. صفحه‌های خارجی این دیوار از خشت‌های پخته سیاه رنگ است که شباهت به خشت‌های سنگی میرساند. وسط دیوار را از گل پر کرده اند گل زرد پیکن و تمام چین بسیار محکم دوام دار است. هیئت ایلچیان تیموری چینی که در سال ۸۲۲ وارد خانباغ شدند دیوار مذکور را مرمت میکردند و به اساس چشم دید اعضای هیئت مذکور در حدود صد هزار خوازه برای انجام کسارهای مرمت در امتداد دیوارها برپا کرده بودند (گریاس) پادشاه که هیئت ایلچیان را در آن فرود آوردند عبارت از ارک سلطنتی است که از خود خندق و حصار و برج‌های جدا گمانه دارد و امروز در حدود نهمصد عمارت کوچک و بزرگ در داخل آن دیده میشود. هفتصد قدم سنگ فرش تراشیده که ایلچیان از روی آن عبور کرده اند کما کان

باقی است و بعد از دروازه جنوبی از گامحوطه بزرگی می آید که زمین آن سنگ فرش است.

روی هم رفته هیئت ایلچیان تیموری چه در قصر سلطنتی دای منگ خان (یونگ او) در خانبالغ و چه در برخی شهرهای دیگر ضمن بار بار بی بحضور خاقان و در طی ضیافت هایی که به افتخار آنها از طرف حکام شهرها داده شده بود داخل مهمانخانه های شاه و محل در بار و یاد داخل خرگاه های برخی از حاکم های عرض راه را به نحوی شرح داده که آلات و ادوات موسیقی و ظروف چینی و صراحی ها و غیره مجسم بنظر میخورد و در بعضی موارد امر و هم اشیای مذکور با نظم و ترتیب سابق جلب نظر می کند. غیاث الدین نقاش هراتی نظم و ترتیب داخل یکی از خرگاه های را که در عرض راه از طرف حاکمی به افتخار هیئت جهانی در آن ترتیب یافته بود چنین شرح میدهد: «... در برابر کور که پادشاهی که بر مقامی بلند بود خمها و خمه های چینی و صراحی های خرد و بزرگ و چینی و نقره و در چپ و راست کور که مطربان ایستاده با توغن و گمانچه و بلیبه و نای و نوح که در سر و پهلو نفس کشند و تنبک و موسیقار و طبل دوروی بر سر سه پایه نهاده و صنج و چهارپاره و دهل همه را با اصول و نوا در آورده اند و پس از آن صاحب جمال سرخی و سفیده مالیده و بسان دختران مرواریدها در گوش کشیده بازیگری ها کردند...»

هیئت ایلچیان تیموری سرخی و سفیده مالیدن در روی پسران و نوشواره انداختن در گوشهای ایشان و نقاب های عجیب و غریب بستن و بازیگری آنها را در موارد مختلف و در نقاط مختلف چین دیده؛ و انعکاس خاطره های آنها مکرر بگوش میرسد. استعمال ماسک های عجیب و غریب از زمانه های کلاسیک تا امروز در چین از بین نرفته آرتیست های چینی مخصوصاً در مواردی که کارنامه های قدمار نمایش میدهند از استعمال ماسک های مذکور و لباس های زردوزی و زربفت بسیار نفیس و قیمتمند ناگزیر هستند. پسران هنوز هم در چین نقش دختران را در تیاتر بازی میکنند و سرخی و سفیده و آرایش آنها

بشکل دختران و زنان معمول است همین قسم ساختن ماسک‌های حیوانات
مخصوصاً شیر و اژدها و سیمرغ از بین نرفته و حتی پارسال در کابل در صحنه
بهاره چمن هم در يك پرده اژدهای آتشین نفس را عقب پرده
نیجه تا در يك نشان دادند. در پنج و نیم قرن قبل
هیئت ایلچیان تیموری ازین ماسک‌ها و ازین قبیل صحنه‌های
حیوانات را در نقاط مختلف چین تماشا کرده و تماشا نامه بازیگران
چینی جلب توجه ایشان را کرده است.

از طرزهای بنای چینی یکی هم برج‌های بلندی است که معمولاً آنها را
(یگودا) گویند و یکی از آن را که در شهر (سیان) در جنوب (پیکن) دیدم
در حدود هفتاد متر بلندی داشت هیئت ایلچیان تیموری در عصر خود یکی
ازین بناها را بنام (چرخ فلک) یاد کرده اند و میگویند که کوشکی بود منمن
شامل پانزد طبقة و هر طبقة منظرهای مقرنس ختائی و غرفها و ایوانها
داشت و بیشتر قسمت‌های آن چوب‌کاری‌های ملون و منقوش و مطلا داشت
چوب در تمام آبادی‌ها و بناهای چین تا همین اواخر بسیار استعمال میشد
و رنگ آمیزی و نقاشی و تذهیب یکی از معیارات ذوقی چینی را تشکیل
میدهد. در معابد و قصرهای سلطنتی مخصوصاً در بناها و کوشک‌ها و قصرهای که
از دوره منگ معاصر تیموری‌ها باقی مانده چوب‌کاری‌های بسیار نفیس
با الوان و نقاشی‌های ماهرانه جلب نظر میکنند. تذهیب قسمت‌های فوقانی
برج‌ها و طلاکاری در بسیار حصص داخلی قصرها معمول بود و چون رنگ
زرد رنگ رسمی در باری شاهان قدیم و مخصوصاً خاقان‌های عصر منگ
محسوب میشد رنگ زرد طلائی بر بسیار الوان دیگر و جحان داشت
و امروز هم بعد از مرمت کاری‌ها سقف‌های مطلای برج‌های ارگ سلطنتی
در شهر پیکن در آفتاب نلند و خاصی دارد.